

را نیز به عنوان اعضای اتاق فکر و نخبگان رأی‌دهنده‌اش انتخاب کرد که تشریک مساعی کنند. اولین مرد سال شنل پوش این مراسم ابرام آقا آشتیانی وقتی سوار بر آن پیکان مدل ۴۹ آلبالویی اهدایی ایران ناسیونال شد و یک دور در امجدیه از برابر تماشاچیان گذشت ۲۵ هزار تماشاچی با ۲۵ هزار شاخه گل در دست به احترامش ایستادند. تأثیر این کار در تیراژآوری و بازخوردهایش چنان همه‌گیر بود که در سال بعد، دومین توپ طلا را علی سلطون (پروین) برد و به مامان مهین‌اش هدیه داد. سومین شنل پوش مراسم مرد سال اکبر آقای سیم خاردار (کارگرجم) بود و الحق که آن شنل بیشتر از همه، «تن خور» او بود. پروژه‌ای که از ۱۹ دی ماه ۴۹ و با تیتَر «مردسال فوتبال ایران کیست» بر جلد مجله دنیای ورزش خوش درخشیده بود با حضور پنجاه کارشناس، مدیر، ژورنالیست و قهرمان پیشکسوت در اتاق فکر این طرح بزرگ و نظرخواهی از آنها درباره امتیاز دادن به ستاره‌های درخشان سال کلید خورد. مگر می‌شد این همه غول را یکجا جمع کرد؟ از آقامبشرو داود نصیری تا باشگاهدارهایی چون دکتر اکرامی (شاهین)، عبده (پرسپولیس)، شیخان (تاج)، سرهنگ صادقی (پاس)، آقافکری (تهرانجوان) و ملی‌پوشانی چون دکتر برومند، کوزه‌کنانی، جدیکار، رهبری، بیاتی، دهداری، امیرآصفی، رنجبر، حشمت، امیرعراقی، حاج نصرالله، نوریان، سلطانی، نامدار، شیرزادگان و قلم‌زنانی چون بهمنش، گیلانپور، اسپهانی، دکتر الهی، دال – اسداللهی، یگانگی، روشن‌زاده، صفوت، زاهدی، هشیارنژاد، دهقان، حصاری، رفیعی و استخوان‌خردکرده‌هایی چون ابوطالب، آقامدد، موزرون، اصغر تهرانی، بهروز سرشار و بقیه. این در حالی بود که از جمع ۳۸ رأی‌دهنده، ۲۲ نفر رأی اول‌شان را به آشتیانی دادند و ۱۲ نفر رأی دوم‌شان را (البته ۱۲ نفر نیز در رأی‌گیری شرکت نکردند). پشت سر آشتیانی هم قلیچ، کارو، حسن آقابیسی و همایون بهزادی انتخاب شدند (دو پرسپولیسی، دوتاجی و یک پاسی).

۱۴ شهریور سال ۵۰ در امجدیه قیامت بود. بیژن رفیعی (سردبیر دنیای ورزش و مدیر جشن) از پیش به مردم توصیه کرده بود که در روز موعود همه با یک شاخه گلایل قرمز یا مریم سفید به امجدیه بیایند. او یک روز قبل از برگزاری مراسم در دنیای ورزش نوشته بود: «برنامه جشن از ساعت شش بعد از ظهر فردا در استادیوم امجدیه آغاز خواهد شد. کوشش می‌کنیم با کمک همه مسئولین ورزش در این روز کلانی و مهربان را نیز به میدان بیاوریم. بلیت‌های ورودی ۳۰ ریال و ۱۰۰ ریال و ۲۰۰ ریال می‌باشد و باید برای ورود به استادیوم یک شاخه گل سرخ نیز همراه داشته باشید. همچنین گروهی از نامداران فوتبال خوزستان به نام جم آبادان نیز در این روز میهمان هستند... و توی‌ای تماشاگر عزیز کوشش کن که همه چیز زیبا باشد.»

و در روز موعود عباس مسعودی بنیانگذار روزنامه اطلاعات شنل مخصوص و توپ طلا را به آشتیانی اهدا کرد. این نشریه در حالی که تیراژش به شدت تحت تأثیر این مراسم و بازخوردهای بعدی آن قرار گرفته و افکار عمومی را به سوی خود کشانده بود در سال‌های بعد نیز این مراسم را پی گرفت. توپ طلای سال ۵۲ مصادف با اولین سال برگزاری لیگ تخت جمشید نه تنها با انتخاب مرد سال، که بهترین‌های هر پست را نیز گزینش کرد و در پایان نظرخواهی‌ها اگرچه اکبر کارگرجم از تاج اول شد باز هم قلیچ در مکان دوم ایستاد و عادلخانی و حجازی از تاج سوم و چهارم شدند و جعفر کاشانی در مجموع جایگاه ۵ را به دست آورد. در حالی که قلیچ مراسم اهدای جوایز را تحریم کرده بود هیأت فنی، بهترین‌های هر پست را به تاریخ‌خانه اطلاعات برد و از آنها عکس‌های یادگاری انداخت. از بهترین گلرها حجازی، قفل‌ساز و بهرام مودت. از ناپ‌ترین هافبک‌ها قلیچ و پروین و محمد صادقی. از بزن دروِرتین فورواردها عادلخانی و اسماعیل حاج‌رحیمی‌پور. از سیم خاردارترین‌ها کارگرجم، کاشانی و آشتیانی.



بیژن رفیعی، نفر سوم از سمت راست؛ مبتکر برگزاری اولین مراسم مرد سال فوتبال ایران

بیژن رفیعی که قاپ مسعودی را با این طرح‌های سودآور در دیده بود به فکر پیاده کردن دیگر پروژه‌های اقتصادی سودمندگرایانه در دنیای ورزش افتاد و دیگر رفیقی قابل احترام برای رسانه‌های شنبه‌های ایرانی شد. او با راه‌اندازی پروژه انتخاب مرد سال فوتبال ایران در ابتدای دهه پنجاه پای کارخانجات ایران را نیز وسط اقتصاد زیرتی فوتبالفارسی باز کرد تا به قهرمانان برگزیده، یخچال و ساعت اهدا کنند. ۱۴ سال بعد از برگزاری مراسم مرد سال فوتبال انگلستان، بیژن رفیعی با گرت‌برداری از فرانس فوتبال، این طرح را در فضای روباز امجدیه به اجرا گذاشت و مسئولان کارخانه ایران ناسیونال یک دستگاه پیکان گوجه‌ای صفر به مرد سال فوتبال ایران در سال ۱۳۴۹ اهدا کردند (ابرام آشتیانی). دنیای ورزش در شماره ۱۱۰ خود به تاریخ ۲۹ مهر ۱۳۵۱ با تیتَر «جایزه جنرال» نوشت «در جشن سالگرد مجله دنیای ورزش در جمع جوایزی که به چهره‌های برگزیده فوتبال سال اهدا شد، از طرف شرکت صنعتی جنرال یک یخچال ۹ فوتی جنرال نیز به همایون بهزادی محبوب‌ترین چهره سال فوتبال اهدا شد. شرکت سهامی شب‌دیز نیز ۸ عدد ساعت تایمکس که در اروپا به نام ساعت قهرمانان شهرت دارد را به برگزیدگان فوتبال سال اهدا کرد.»

در مراسم انتخاب مرد سال فوتبال ۲۵ هزار تماشاچی روی صندلی ارج تاشو نشسته بودند و گلایل قرمز و مریم سفید تکان می‌دادند. ابراهیم و علی و اکبر نیز شنل‌هایی پوشیده بودند که آنها را بیشتر به فیصر روم باستان شبیه می‌کرد. جایزه اول یک دستگاه پیکان آلبالویی مدل ۴۹ بود که مردسال شنل پوش، سوار کاپوت جلوی می‌شد و در پیست امجدیه دور می‌زد. آن صندلی‌های ارج و گلایل‌ها و مریم‌ها و بلیت‌های ۳۰ ریالی لذتی داشت که دیگر در تاریخ فوتبال ایران تکرار نشد. بیژن رفیعی برای این کار بنیاد توپ طلای فوتبال ایران را گذاشت و طرح مردم پسند او در رقابت شانه به شانه با مجله رقیب‌اش کیهان ورزشی، گلیم خود را از آب بیرون کشید. اتفاقاً تنی چند از مفسرین آن نشریه

که به اندازه کافی مقبول جامعه‌اند و رفیعی اما برای تکمیل تيمش به جوانگرایی روی آورد. جوان‌های مستعدی مثل جعفر دهقان، حسین حصاری، حسین جباری، ابوالفضل جلالی که از نیروهای سازمان شهرستان‌ها، سازمان آگهی‌های مؤسسه اطلاعات و یا نشریه دختران پسران بودند و بین ۲۱ تا ۲۵ سال سن داشتند؛ صداالبته باید پرویز زاهدی و یونس علیشیری را نیز از کیهان ورزشی غر می‌زد که ۲۹ ساله و ۳۲ ساله بودند و با سردبیر کیهان ورزشی کنار نمی‌آمدند. البته نیروهایی مثل فرامرز رفیعی برادر سردبیر، صفر خواجوی و عزت ساری (تدارکات) هم بودند که به مرور به تحریریه اضافه شدند. دنیای ورزش ابتدا جامعه مخاطبین خود را از میان جوانانی انتخاب کرد که طالب نوزایی اجتماعی بودند و دنبال ثمر ساده و شورانگیزی می‌گشتند در کنار جذابیت‌های تصویری پوستره‌های چهاررنگ. در چنین شرایطی غول کیهان ورزشی که نیروهای خود را از اساتید دانشگاهی و پیشکسوتان ورزش و قهرمانان بازنشسته انتخاب کرده بود به کار کادرسازی حریف می‌خندید و هرگز گمان نمی‌کرد که تیمی چنین بی‌تجربه بتواند بر شنل شاهانه آنها چروکی بیندازد و از ایشان سبقت بگیرد. آنها چنان تکبر فرعون‌ی داشتند که گمان می‌کردند مجله تازه از راه رسیده به درد سبزی‌فروشان خواهد خورد و سلطنت بر ده‌ها همچنان از آن نیروهای روشنفکر و معترض کیهان ورزشی خواهد بود که از همه احزاب چپ و راست و ملی و بی‌طرف در میان‌شان بود و تجربه روزنامه‌نگاری‌شان قابل مقایسه با صفرکیلومترهای دنیا نبود. در آن تابستان سال ۱۳۴۹ که اولین نسخه دنیا روی ده‌ها رفت کسی باور نمی‌کرد جذابیت تصاویر رنگی این همه افسون‌کننده باشد که بتواند نشریه سیاه و سفید کیهان ورزشی را زمین بزند. نشریه‌ای که از رنگین‌نامه بودن دوری می‌کرد و فقط به افتخار صعود تیم ملی آقافکری به المپیک تکیو و یا در عید نوروز جلد رنگی زده بود و زیبایی و اصالتش را در بی‌رنگ بودنش می‌دید. حالا نشریه‌ای به میدان آمده بود که می‌خواست برای اولین بار قهرمانان ورزش را هم مثل ستاره‌های سینما رنگ بزند. چنین شد که وقتی دنیا با جذابیت‌های رنگی‌اش دل‌ها را برد کاظم گیلانپور سردبیرش در یادداشتی به خواندگانش گفت که کیهان ورزشی نمی‌تواند یک نشریه تجاری باشد و این راه و روش‌ها مورد تأیید ما نیست و با دخل و خرج ما نمی‌خواند. و چنین شد که پوستره‌های رنگی دنیا دل عام و خواص را تسخیر کرد و نشریه جوان‌پسندی ظهور کرد که دکان پیرمردهای سنت‌گرا و خودشیفته را به تعطیلی بکشاند. به ویژه آنجا که نشریه دنیا همزمان با حضور بنفیکا و اوزه بيو در تهران نایاب شد (اسفند ۴۹) و خوانندگان و ده‌ها تقاضای چاپ دوم و سوم کردند دل مسعودی روشن شد که این نشریه نوپای جوانگرای جوان‌پسند بتواند دخل و خرجش را با توجه به تکفروشی بچرخاند و در همه این تعادل‌سازی‌ها نقش خوشفکری رفیعی سردبیر از همه بالاتر بود. حالا نوبت کیهان بود که با شنیدن تیراژ یک صد هزار نسخه‌ای دنیا خطر را بیخ گوش خود احساس کند و با الهام از فوت و فن‌های جوان‌پسند نشریه تازه رقیب، در رنگ آمیزی نشریه پیرانه‌سر خود چنان افراط کرد که از آن‌ور بام افتاد. این وقتی بود که مردم کف خیابان و استادیوم‌روها پوستر دو صفحه‌ای پرسپولیس – قهرمان جام منطقه‌ای ۱۳۵۰ – در وسط صفحات دنیا را قاپیدند و پشتبندش کاظم آقا در نشریه رقیب جایز ندید درنگ کند و با داود الماسی به محل پاتوق بوقچی‌های پرسپولیس رفت تا با آنها آشتی کند و داود را برای نگارش زندگینامه همایون بهزادی و گرفتن خبرهای ممتد از پاتوق‌های قهرمزا در قهوه‌خانه‌های بهارستان و شاه‌آباد تعیین کرد.

بیژن رفیعی، تولد دنیا

برگزاری اولین مراسم مرد سال فوتبال ایران که به همت بیژن رفیعی سردبیر خوشفکر نشریه دنیای ورزش رخ داد چنان شیرین بود که وقتی مردم در مراسم روباز امجدیه یک دستگاه اتومبیل پیکان گوجه‌ای مدل ۴۹ را دیدند که همچون عروسکی بسته‌بندی شده قرار است به بهترین بازیکن سال تقدیم شود در قبال تماشای اولین نشانه‌های اسپانسرینگ ناباورانه به هم نگاه می‌کردند و برای پیشرفت اقتصاد فوتبالفارسی همذات‌پنداری می‌کردند. آن سال حتی وقتی که مردم امجدیه‌نشین متوجه یک دستگاه یخچال ۹ فوتی شرکت جنرال شدند که برای تقدیم به همایون بهزادی بسته‌بندی شده، چه آرزوها برای تملک آن در سر پروردند. دیگر کار به جایی رسیده بود که نشریات هم برای افزایش تیراژ خود، در پروسه فعالیت‌های اقتصادی فوتبال و به ویژه حوزه تبلیغات، از همدیگر سبقت می‌گرفتند. بعد از دنیای ورزش که با پروژه انتخاب مرد سال فوتبال برای خود تیراژ و اعتباری به دست آورد، نشریه تاج ورزشی متعلق به کلپ آبی‌پوشان تهران نیز با اختصاص پاداش ۱۵ هزار تومانی برای آقای گل لیگ تخت جمشید، وارد این حوزه بیزینس و تبلیغات شد.

بیژن رفیعی نخستین سردبیر نشریه دنیای ورزش نیز مثل بسیاری از نویسندگان ورزشی دهه‌های چهل – از جمله حسین دستگاه و پرویز زاهدی – آموزگار بود. بسکتبالیست متولد ۱۳۱۷ و عضو باشگاه تهران جوان ابتدا در کیهان ورزشی مقاله می‌نوشت. ۲۲ ساله بود که گزارش‌هایش از قهرمانی فوتبال استان‌ها – مرداد ۱۳۳۹ – به ویژه از بازی قزوین و آبادان نظر‌ها را جلب کرد. آن روزها زبان حماسی فوتبال، جوان‌ها را به شدت از راه به در کرده بود اما موضوع این بود که غول کیهان ورزشی یک تنه حوزه ورزش ایران را در تیول خود داشت و در دوقطبی «کیهان – اطلاعات» دست بالا را داشت و حرف اول را می‌زد. آن روزها کیهان ورزشی این رسم را در تحریریه خود داشت که معمولاً از اسم نویسنده‌های جوان استفاده نمی‌کرد – که در مضرات شهرت غره نشوند – مگر اینکه کار داستانی بکنند. آخرین گزارش‌های رفیعی در اواسط دهه چهل در کیهان ورزشی چاپ شد که تجلیلی از کیفیت فنی خانم ماری تت کاپیتان تیم ملی والیبال زنان بود. وقتی بیژن و پرویز از کیهان ورزشی جدا شدند و نتوانستند با سردبیر متبخترش کار کنند طبق معمول باید به رسانه رقیب می‌کوچیدند که اینجور وقت‌ها سعی می‌کرد یاغی‌ها را جلب کرده و سازماندهی‌اش را به هم بریزد. رفیعی از سال ۴۶ به اطلاعات کوچید و مسئول ستون ورزش‌اش شد. حالا روزنامه عباس مسعودی که در همه حوزه‌های هنری، فرهنگی، جوانان، زنان و کودکان با کیهان دوه به دو می‌تاخت و رقابت مخبرین دور رسانه از حد فیرپلی گذشته بود به فکر افتاد مونوپول کیهان ورزشی را خدشه‌دار کرده و برای خود تریبون جدیدی خلق کند. رفیعی بعد از دو سال خبرنگاری ورزشی برای روزنامه و نشریات جوانان و اطلاعات زنانش، به یکباره طرحی رو کرد تا مؤسسه اطلاعات نیز برای انتشار یک نشریه ورزشی از طریق آن بلندپروازی‌های آقای مسعودی را ارضا کند. برای روزنامه‌دار کارکشته‌ای چون مسعودی پذیرش پیشنهاد جوانی که تازه سی‌سالگی‌اش را رد کرده آن هم برای رقابت با مقبول‌ترین نشریه تاریخ ورزش ایران تصمیمی توأم با احتیاط و محافظه‌کاری بود. همه می‌دانستند که در تحریریه کیهان ورزشی غول‌هایی چون گیلانپور، صدزل، اسداللهی، درّی، تمرز، باقر، لطیف و دیگران قلم می‌زنند



بیژن رفیعی نخستین سردبیر نشریه دنیای ورزش نیز مثل بسیاری از نویسندگان ورزشی دهه‌های چهل – از جمله حسین دستگاه و پرویز زاهدی – آموزگار بود و یک قطبی کیهان ورزشی را به دوقطبی کیهان – اطلاعات تبدیل کرد